



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ: [۱۴۰۱/۹/۳](#)

موضوع بحث: **نظام حجت ۳**

(نکاتی درباره سنت و ابتلائات در انبیاء گذشته)

آنچه گذشت...

• گفته شد در حدیث لوح نام تمام امامان معصوم (ع) همراه با مأموریت آنها ذکر شده و هنگامی که به امام حسن عسکری علیه السلام می‌رسد می‌گوید **الْخَازِنَ لِعِلْمِی الْحَسَنَ وَ اُكْمِلُ ذَلِکَ بِاَیْنِهِ م. ح. م. د رَحْمَةً لِّلْعَالَمِیْنَ عَلَیْهِ کَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِیْسَى وَ صَبْرُ اَیُّوبَ.**

شباهت حضرت حجت (عج) به موسی (ع):

- درباره شباهت های حضرت به موسی (ع) ۳۰ روایت نقل شده مهمترینشان شباهت حضرت در هیبت موسی (ع) که عقول از کارهای حضرت متحیر می شوند چونکه ایشان مثل حضرت موسی (ع) مظهر جلال حق هستند.
- یکی از شباهت های بین این دو بزرگوار قال رسول الله صلی الله علیه وآله المهدي منا أهل البيت يصلح الله له أمره في ليلة خداوند در یک شب کار حضرت را اصلاح می کند این شبهاتی است بین حضرت موسی (ع) و حضرت حجه.

ظهور منجی به نام موسی (ع):

- یک روایت هم از موسی (علیه السلام) در مورد خالص سازی است که وقتی قوم موسی بعد از جریان یوسف (سلام الله علیه) خیلی دوره طولانی شده بود از شدت عذاب بر بنی اسرائیل و فشار یوسف قبل از مردنش جمع کرده بود بنی

اسرائیل را و برایشان صحبت کرد و گفت بهشان که بعد از این شما مبتلا به سختی میشوید و این سختی حدود **400** سال طول میکشد که فاصله بین یوسف سلام الله علیه و موسی علیه السلام فاصله ای حدود **400** سال است. و برایتان خیلی سخت میشود. شرایط خیلی سخت میشد، انبیاء بودند، گاهی این ها پیش انبیاء جمع میشدند در بیابان ها در خلوت، چون تحت فشار بودند و برای این ها نصیحت هایی میکردند تا دل این ها آرام بشود. از جمله یکی از بارهایی که خیلی اذیت شدند رفتند پیش نبی شان گفتند ما دیگر تحملمان از دست رفته است، هر موقع شما برای ما صحبت میکنید یک خرده آرام میشویم، یک جلسه ای بگذاریم شما یک صحبتی برای ما بکنید. در خارج از شهر جلسه گذاشتند، آنجا آن نبی به آن ها وعده داد که فرج و ظهور حجت قائم ما 40 سال دیگر است. خدا وعده داده است 40 سال دیگر. تا گفت 40 سال دیگر، این ها گفتند الحمدلله، تا گفتند «الحمدلله»، خطاب آمد به آن نبی که به خاطر مقام شکرستان 40 سال تبدیل شد به 30 سال، این ها تا شنیدند 30 سال را، گفتند «كُلُّ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ». بعد خطاب آمد به آن نبی که این 30 سال تبدیل شد به 20 سال.

بعد دوباره تا شنیدند 20 سال شده، دوباره مقام شکرشان به زبان اینکه «لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَّا اللَّهُ» خیر فقط از جانب خداست و از آنجا فقط نشات میگیرد... باز خطاب شد بگو شد 10 سال، وقتی شد 10 سال، این ها گفتند «لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ»، خداست که فقط سوء را دفع میکند، تا اینطور شد، گفتند نگاه کنید، کسی که دارد می آید موسی است. آن نبی الهی پس از معرفی موسی برخواست و دست موسی را بوسید. «ثُمَّ جَلَسَ بَيْنَهُمْ فَطَيَّبَ نَفُوسَهُمْ وَ أَمَرَهُمْ أَمْرَهُ ثُمَّ فَرَّقَهُمْ فَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ الْوَقْتِ وَ بَيْنَ فَرَجِهِمْ بِغَرَقٍ فِرْعَوْنَ أَرْبَعُونَ سَنَةً» سپس موسی در بین آنها نشست و دلهایشان را پاک کرد و آنها را به پیروی رسالتش امر کرد و سپس آنها را پراکنده کرد. که از زمان این ماجرای ظهور موسی بر شیعیانش، تا غرق شدن فرعون و نجات یافتن مردم از دست ظلم فرعونیان (و تطهیر مصر از ظلم دوران)، چهل سال (بعد از آن ظهور) طول کشید.

شباهت حضرت با عیسی (ع) :

• در بهاء عیسی بحث جمال حق است، زیبای و نورانیت

حضرت عیسیٰ مسیح (ع) و حضرت حجه (عج). در رابطه با ارتباط حضرت عیسیٰ مسیح (ع) و حضرت حجه (عج) ده روایت با سندهای مختلف نقل شده اند که پیامبر اکرم (ص) به حضرت فاطمه زهرا (س) بشارت می دهند که حضرت عیسیٰ (ع) پشت سر ولی عصر (عج) نماز می خوانند.

نقش عیسیٰ (ع) در آخرالزمان :

• در رابطه با نقش حضرت عیسیٰ مسیح (ع) در آخرالزمان احادیث مختلفی وجود دارد که نشان دهنده یکی از جنگهای بزرگ آخرالزمانی بین مسیحیان واقعی به رهبریت عیسیٰ (ع) و مسیحیان منحرف به رهبریت دجال صلیب به دست هست که در آخر حضرت پیروز می شوند و با مسیحیان پشت سر حضرت حجه (عج) نماز می خوانند.

صبر ایوب حضرت:

• درباره صبر ایوب که معجزه ایشان بوده و قومش را با این معجزه راهنمایی کرد و حضرت حجة (عج) وارث این صبر هستند.

اوج نیاز بشر به تمام اسماء و آیات توحیدی:

• تمام سنن، اوصاف و ابتلائات انبیاء (علیهم السلام) در دروان ولی عصر(عج) رخ خواهد داد مانند سنت غیبت که از سنت‌های الهی هست، بعضی از انبیاء الهی به غیبت می رفتند تا قوم خود را از اسم الظاهر خارج و به اسم الباطن وارد کنند. حضرت هم با تمام اوصاف و آثار به گستره تاریخ بشر همراه اند عصا موسی(ع)، نگین سلیمان (ع)، پیراهن یوسف(ع)، زره پیامبر(ص) و... تا حضرت با تمام مشکلات و ابتلائاتی که بشر در طول تاریخ گذشتگان رخ داده در آخرالزمان روبرو شوند چون مردم در دوران ظهور به اندازه گستره تاریخ به آیات توحیدی نیازمند هستند و شدیدترین نیازها به بالاترین مرتبه کمال آنها رخ خواهد داد یعنی نیاز بشریت در تمام مراتب به اوج غایت می رسد و تمام

استعدادهای بشر در دوران ظهور بالفعل می شود.
درباره شباهت حضرت حجة به جد گرامی خود حضرت **محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم)** روایتی در مصباح الهدی جلد سوم، صفحه **۴۸۲** روایت **۱۹۰** آمده است از شباهت های بین حضرت و پیامبر اکرم (ص): **الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقاً وَ خُلُقاً تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَيْرَةً تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ يَمَلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.** مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. از نظر خلقت و خوی شبیه ترین مردم به من است. برای او غیبت و حیرتی است که امت ها در آن گمراه شوند سپس مانند شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پر از عدل و داد نماید. همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

زره پیامبر بر تن حضرت:

. درباره زره پیامبر اکرم (ص) هم روایتی وجود دارد که می گوید آقا رسول الله (ص) در جنگها از آن استفاده می کردند و

به پیروزی‌ها رسیدند و حکومت اسلامی را تشکیل دادند اما بعد از ایشان هیچ‌یک از امامان معصوم (علیهم‌السلام) این زره را بر تن نکردند مگر امام زمان (عج) زیرا ایشان مأمور قیام به سیف هستند تا حاکمیت توحیدی در سطح جهانی تشکیل بدهند دیگر از اهل بیت علیهم‌السلام هم قیام به سیف داشتند اما غلبه نکردند مانند امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و امام حسن و سیدالشهداء علیهما‌السلام و بقیه از امامان (علیهم‌السلام) نیز مانعی داشتند که قیام نکردند اما قیام به سیف حضرت محقق خواهد شد و مانند رسول خدا (ص) یک حکومت الهی تشکیل خواهند داد این زره هم نماد این تحقق است و گفته شده ظهور ایشان اطلاق است یعنی به تمامه محقق خواهند شد.

سیر تکاملی دین:

• تاریخ بشر از آدم (ع) تا خاتم (ص) سیری رو به جلو داشته است، از هبوط آدم (ع) تا نبوت نوح (ع) هزار سال زمان طی شده است تا ده حکم الهی به بشریت برسد و از نوح نبی (ع)

تا پیامبر اکرم (ص) قرن‌ها گذشت تا در قرآن تمام احکام الهی گفته شود. نخ تسبیح رشد کاروان بشریت و تمام این ابتلائات و امتحانات الهی به خاطر پاک و خالص سازی امت‌ها بوده است و این یک سنت الهی است.

امتحانات الهی و سنجش عیار انسان :

• فتنه‌ها کار خداوند است الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^ج یا در سوره عنکبوت آمده أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ^ط فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف اینکه گفتند ما ایمان (به خدا) آورده‌ایم ره‌شان کنند و هیچ امتحانشان نکنند؟ و محققا ما اممی را که پیش از اینان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم، و همانا خدا دروغگویان و راستگویان را کاملا می‌شناسد. این سنت پاکسازی خداست.

• لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

انسان یارش رفته که در نظام احسن حضور داشته و آمدنش به عالم ناسوت برای چه بوده روزگاری انسان نزدیکترین خلق به خدا بود به طوری که خدا به آن می گفت رومی اما در عالم ماده آنقدر این فاصله و حجاب بین او و خدا افتاد که وابسته به دنیا شد، ما همگی در حال حرکت هستیم يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ما در حال حرکت هستیم از اول خلقت خود تا همین الان حرکت می کنیم و هیچ وقت از حرکت نایستاده ایم و بازگشتی داریم إنا لله وإنا إليه راجعون. خداوند برای این بازگشت ما پیامبران را فرستاد، شریعت فرستاد تا با عمل به آن از عالم ماده به سلامت عبور کنیم از اسم الظاهر به الباطن برسیم اما این وسط افرادی هستند که از دنیا جدا نمی شوند خداوند با دادن مصیب و بیماری و رنج کاری می کند.



سنت غیبت و ارتباط با اسم الباطن:

• سنت غیبت سری از اسرار خداست کاری می‌کند تا از اسم الظاهر به اسم الباطن برسیم ارتباط جسمی با حضرت حجة (عج) قطع شده اما ارتباط حقیقی که همان نفس ناطقه باشد پا برجا هست زیرا او انسان کامل است و تمام اسماء را بالفعل دارد و ما برای اینکه به کمال خود برسیم و اسماء بالقوه را شکوفا کنیم نیاز به ارتباط به حضرت (عج) داریم، غیبت باعث می‌شود تا به حقیقت خود پی ببریم و نبود جسمی حضرت هیچ ضرری نمی‌رساند مثل خورشیدی که پشت ابر پنهان است اما نور او هنوز بر عالم هستی می‌تابد.

رشد در عالم تکوین و تشریح:

• ما دو عالم داریم یک عالم تکوین که عالم هستی است و

یک عالم تشریح که عالم بین انسان هاست هر دو به سمت خالص سازی هست در عالم تشریح از حضرت آدم تا نوح ده حکم و تا رسول اکرم تمام دین به مرحله ظهور رسید و دین قدرت گرفته تمام ابتلائات همه در راستای خالص سازی هستند.

داستان خالص سازی قوم نوح:

• داستان حضرت نوح (ع) داستانی جالب است ما بیشتر حضرت ایوب را به صبر می شناسیم اما جریان‌های که در داستان نوح(ع) اتفاق افتاده را بدانیم در دوران خود کمتر بی‌تابی خواهیم کرد، طول نبوت ایشان نهصد و پنجاه سال بود که مردم زمان حضرت در سه نسل بودند سه نسل سیصد ساله طوری که پیرمرد دست نوه اش را می گرفت و می گفت این شخص نوح است در دوران پدرانم حرف از خدا می زد و وعده عذاب می داد در آینده مبادا به او ایمان بیاوری! وقتی به تبلیغ می رفت طوری او را می زدند که سه روز بی هوش درخانه می افتاد و دعا می کرد و از خدا مغفرت قوم خود را

می خواست اما همین حضرت طوری شد که درخواست عذاب کردند و از خدا نابودی تمام آنها را خواستند وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذُرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا هیچ کسی از این قوم به دنیا نخواهد آمد مگر فاجر و کافر. گفته شده که خداوند به نوح (ع) یک دانه ای داد و گفت آنرا بکار تا درخت بشود آن موقع عذاب آماده می شود، در این وسط سه دسته مردم وجود داشتند مؤمنین، منافقین و کافرین مشکل بر سر منافقین بود که نمی خواستند هر دو طرف را از دست بدهند این ماجرای کاشت دانه به هفت مرتبه رسید هفت بار وعده عذاب به تاخیر افتاد در بعضی از روایات گفته شده ده بار طوری شد که منافقین ریزش کردند و فقط مؤمنین باقی ماندند و گفتند اگر صد بار هم دانه بدی بکاریم ما به خداوند کافر نمی شویمان موقع بود که صبح دمید و وقت عذاب سر رسید، ما در آخرالزمان هم با این نوع خالص سازی طرف هستیم.

حدیث نوح در سنت خالص سازی:

وَ أَمَّا إِنْطَاءُ نُوحٍ عَ فَإِنَّهُ لَمَّا اسْتُنزِلَتِ الْعُقُوبَةُ عَلَى قَوْمِهِ مِنْ
 السَّمَاءِ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ عِ بِسَبْعِ نَوِيَّاتٍ
 فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ لَكَ إِنَّ هَؤُلَاءِ
 خَلَائِقِي وَ عِبَادِي وَ لَسْتُ أُبِيدُهُمْ بِصَاعِقَةٍ مِنْ صَوَاعِقِي إِلَّا بَعْدَ
 تَأْكِيدِ الدَّعْوَةِ وَ الْإِزَامِ الْحُجَّةِ فَعَاوِدِ اجْتِهَادَكَ فِي الدَّعْوَةِ لِقَوْمِكَ
 فَإِنِّي مُثِيبُكَ عَلَيْهِ وَ اغْرِسْ هَذِهِ النَّوَى فَإِنَّ لَكَ فِي تَبَاتِهَا وَ بُلُوغِهَا
 وَ إِذْرَاكِهَا إِذَا أَثْمَرَتِ الْفَرْجَ وَ الْخَلَاصَ فَبَشِّرْ بِذَلِكَ مَنْ تَبِعَكَ مِنَ
 الْمُؤْمِنِينَ

فَلَمَّا نَبَتِ الْأَشْجَارُ وَ تَأَزَّرَتْ وَ تَسَوَّقَتْ وَ تَغَصَّنَتْ وَ أَثْمَرَتْ وَ
 زَهَا التَّمْرُ عَلَيْهَا بَعْدَ زَمَانٍ طَوِيلٍ (در روایت دیگر دارد که دانه
 های خرما هفت سال طول کشید تا درختش به ثمر برسند)
 اسْتَنْجَزَ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى الْعِدَّةَ فَأَمَرَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ
 تَعَالَى أَنْ يَغْرِسَ مِنْ نَوَى تِلْكَ الْأَشْجَارِ وَ يُعَاوِدَ الصَّبْرَ وَ الْاجْتِهَادَ
 وَ يُؤَكِّدَ الْحُجَّةَ عَلَى قَوْمِهِ

فَأَخْبَرَ بِذَلِكَ الطَّوَائِفَ الَّتِي آمَنَتْ بِهِ فَارْتَدَّ مِنْهُمْ ثَلَاثُمِائَةَ رَجُلٍ وَ
 قَالُوا لَوْ كَانَ مَا يَدَّعِيهِ نُوحٌ حَقًّا لَمَا وَقَعَ فِي وَعْدِ رَبِّهِ خُلْفٌ

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَزَلْ يَأْمُرُهُ عِنْدَ كُلِّ مَرَّةٍ بِأَنْ يَغْرِسَهَا
مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى إِلَى أَنْ غَرَسَهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ
فَمَا زَالَتْ تِلْكَ الطَّوَائِفُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ تَرْتَدُّ مِنْهُ طَائِفَةٌ بَعْدَ
طَائِفَةٍ إِلَى أَنْ عَادَ إِلَى نَيْفٍ وَ سَبْعِينَ رَجُلًا
فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِنْدَ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَ قَالَ يَا نُوحُ الْآنَ
أَسْفَرَ الصُّبْحُ عَنِ اللَّيْلِ

لِعَيْنِكَ حِينَ صَرَخَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَ صَفَا الْأَمْرُ وَ الْإِيمَانُ مِنْ
الْكَدْرِ بِازْتِدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طِينَتُهُ خَبِيثَةً فَلَوْ أَنِّي أَهْلَكْتُ الْكُفَّارَ وَ
أَبْقَيْتُ مَنْ قَدِ ارْتَدَّ مِنَ الطَّوَائِفِ الَّتِي كَانَتْ آمَنَتْ بِكَ لَمَا كُنْتُ
صَدَقْتُ وَ عِدِّي السَّابِقَ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ أَخْلَصُوا التَّوْحِيدَ مِنْ
قَوْمِكَ وَ اعْتَصَمُوا بِحَبْلِ بُبُوتِكَ بِأَنْ أَسْتَخْلِفَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ
أَمَكَّنَ لَهُمْ دِينَهُمْ وَ أَبَدَّلَ خَوْفَهُمْ بِالْأَمْنِ لِكَيْ تَخْلَصَ الْعِبَادَةُ لِي
بِذَهَابِ الشُّكِّ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ كَيْفَ يَكُونُ الْإِسْتِخْلَافُ وَ التَّمْكِينُ
وَ بَدَلُ الْخَوْفِ بِالْأَمْنِ مِنِّي لَهُمْ مَعَ مَا كُنْتُ أَعْلَمُ مِنْ ضَعْفِ
يَقِينِ الَّذِينَ ارْتَدُّوا وَ حُبِّ طِينِهِمْ [طِينَتِهِمْ] وَ سُوءِ سَرَائِرِهِمْ
الَّتِي كَانَتْ تَتَأَيَّجُ النَّفَاقِ وَ سُنُوحِ الضَّلَالَةِ فَلَوْ أَنَّهُمْ تَسَنَّمُوا مِنِّي
الْمُلْكَ الَّذِي أُوتِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَقْتَ الْإِسْتِخْلَافِ إِذَا أَهْلَكْتُ
أَعْدَاءَهُمْ لَنَشَقُّوا رَوَائِحَ صِفَاتِهِ وَ لَأَسْتَحْكَمْتُ سَرَائِرُ نِفَاقِهِمْ [وَ]

تَأَبَّدَتْ حِبَالُ ضَلَالَةٍ قُلُوبِهِمْ وَ لَكَاشَفُوا إِخْوَانَهُمْ بِالْعَدَاوَةِ وَ
حَارَبُوهُمْ عَلَى طَلَبِ الرَّئِيسَةِ وَ التَّفَرُّدِ بِالْأَمْرِ وَ النَّهْيِ وَ كَيْفَ
يَكُونُ التَّمَكِينُ فِي الدِّينِ وَ انْتِشَارُ الْأَمْرِ فِي الْمُؤْمِنِينَ مَعَ إِثَارَةِ
الْفِتَنِ وَ إِيقَاعِ الْحُرُوبِ كَلَّا « وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا »

قَالَ الصَّادِقُ ع وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ فَإِنَّهُ تَمْتَدُّ أَيَّامُ غَيْبَتِهِ لِيُصْرِّحَ
الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ وَ يَصْفُوَ الْإِيمَانُ مِنَ الْكَدْرِ بِازْتِدَادِ كُلِّ مَنْ
كَانَتْ طِينَتُهُ خَبِيثَةً مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يُخْشَى عَلَيْهِمُ النِّفَاقَ إِذَا
أَحْسَوْا بِالِاسْتِخْلَافِ وَ التَّمَكِينِ وَ الْأَمْنِ الْمُنتَشِرِ فِي عَهْدِ الْقَائِمِ ع
كمال الدين و تمام النعمة، ج2، ص: [355](#)

ابتلائات بر اساس توان ماست:

• ابتلائات خداوند بر اساس وسع افراد و جامعه است تا
بتوانند از پس امتحان بر بیایم، از این امتحانات فهمیده می
شود که بعد از هر امتحان می توانید ظرفیت خود را بدانید.

حقیقت ظهور از عالم وحدت است:

• ظهور جلوه ای از عالم وحدت است ما در کثرات زندگی می کنیم اولین کثرت هم در بهشت برزخی رخ داد و به زمین هبوط کردیم ظهور باعث می شود تا **وَرَأُوا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ** رخ بدهد بعد از ظهور مرحله رجعت و بعد قیامت که هیچ کثرتی باقی نمی ماند.



داستان طالوت و نصرت خداوند:

• قوم بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی (ع) توسط دشمنانشان از شهر بیرون رانده شدند اموالشان مصادر و از اهل و عیال خویش جدا شدند آمدند به پیامبر خود گفتند از بین ما کسی را انتخاب کن تا حاکمی بشویم و بریم بجنگیم و از خود دفاع کنیم **أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ ائْتِنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ** پیامبرشان گفت آیا تضمینی می دهید که عهد نکنید و پای قول خود بمونید؟ **قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا** گفتن چه شده بر ما که نجنبیم در راه خدا با کسانی که ما رو آواره کردن؟ **قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ** ^{قله} **وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ** بعد اینکه مقرر شد جنگن بیشترشون منصرف شدن. بعد پیامبرشان گفت که طالوت بر شما حاکم می شود تا برید بجنگید **وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ**

بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِيًّا گفتن طالوت که چیزی نداره ما مال و
 منال داریم و خیلی ها هم در این مرحله از جمع مؤمنینی که
 خواستن جهاد کنند خارج شدند **قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ**
وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ^ط **وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَنْ يَشَاءُ** ^ج **وَاللَّهُ**
وَاسِعٌ عَلِيمٌ بعد طالوت لشکری ضعیف جمع کرد و آماده
 جهاد شدند و شرط کرد که از آب نهر نخورند کسی که از آب
 بنوشد از ما نیست و کسانی که یک مشت آب بنوشند مؤمن
 اند اما از خدا نیستند اما کسانی که نوشند مؤمنین خالص اند
 و خلاصه طالوت گفت که به وسیله رود آب امتحان می شوید
 کسانی که بیشتر از یک مشت نوشیدند کم آوردن
فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ
شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ
غُرْفَةً بِيَدِهِ ^ج **فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ** کسانی که یک مشت آب
 نوشیدند با دیدن سپاه جالوت کم آوردند و گفتن ما نیستیم و
 توان جنگ نداریم اما کسانی که آب نخورده بودند گفتن چه
 بسا عده قلیلی بر عده کثیری غلبه کردند **فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ**
آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ^ج **قَالَ الَّذِينَ**
يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ

اللَّهُ قَلِيلٌ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ داستان تا اینجا پیش رفت که داود (ع) نوجوانی بود که چوپانی می کرد غلاب سنگ پرت می کرد و گوسفندان رو هدایت می کرد روز جنگ بر پیشانی جالوت سنگ زد و به قتلش رساند فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ در یک جنگ وحشتناک با تعداد کم بودن مؤمنین آنها پیروز شدن مثل جنگ بدر، در نصرت الهی حرفی از محاسبات زمینی نیست باید گفت رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ خداوند با این حرف ها نصرتش را نصیب مؤمنین می کند.

سخن پایانی...

• در این اتفاقات و فتنه ها برای خیلی ها شد عذاب، برای بعضی ها باعث تطهیر، برای بعضی ها باعث بالا رفتن درجه و برای بعضی ها هم ظهور کمالاتشان است شما ببینید در این ابتلائات کجا باید در امتحان های شخصی و اجتماعی.

(إن شاء الله جزء کسانی باشیم که در فتنه ها می مانند)

حمید رضا خاندوزی

